

مجله زبان و ادبیات فارسی  
 دانشگاه سیستان و بلوچستان  
 سال سوم- پاییز و زمستان ۱۳۸۴

## روابط فرهنگی و ادبی ایران و هند در نیمه ی قرن بیستم

پرفسور سیده فاطمه بلقیس حسینی  
 دانشگاه دهلی

### چکیده

اگر بخواهیم روابط فرهنگی و ادبی هند و ایران را از ابتدا تاکنون مورد بحث قرار دهیم بسیار گسترده خواهد بود و به درازا خواهد کشید. بنابراین در مقاله ی حاضر فقط آن بخش از روابط را که مربوط به نیمه ی دوم قرن بیستم میلادی می شود، بررسی می کنیم تا یادآوری شود که این ارتباط ها تا چه اندازه عمیق و چقدر گسترده و در عین حال مفید است. اشاره به اقدامات فرهنگی دو جانبه ی بعضی رهبران و مقامات ایران و هند، بررسی جایگاه سفارتخانه ها و خانه های فرهنگی، و نقش مجلات و نشریات، اشاره به استادان زبان فارسی و آثار ترجمه شده ی فارسی به هندی و بالعکس، بررسی نقش محققان و دانشمندانی که علاقه مند به ارتباط عمیق فرهنگی میان هند و ایران بوده اند و بحث در مورد مراکز ایرانشناسی و هند شناسی و همچنین انجمن های علمی استادان زبان فارسی در هند و ایران موضوع کار این مقاله است.

**واژگان کلیدی:** ایران، هند، روابط، سفیر، فرهنگ، فارسی، هندی، سنسکریت.

## مقدمه

ایران و شبه قاره ی هند از ارمنه ی قدیم روابط ناگسستنی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشته اند که جلوه های آن در آیینہ ی نقش های فراموش شده ی تمدن دیده می شود. در قرن بیستم انجمن ایران (Iran Society) به عنوان یکی از اسناد مهم ارتباط هند و ایران است که از هفتاد و پنج سال پیش تاکنون خدمات بزرگی در استوار کردن صمیمت دو کشور، گسترش زبان و ادب فارسی و حفظ میراث آن انجام می دهد. در نیمه ی دوم قرن بیستم هند در زمینه ی سیاست، فرهنگ، اقتصاد و همزیستی کارهای مهم و دامنه دار بسیاری انجام داده است. ولی در این مقاله ی کوتاه فقط مروری بر روابط فرهنگی و ادبی به توسط زبان و ادبیات فارسی انجام می گیرد. البته به اقتضای نیاز مقاله به آثار زبان های دیگر نیز اشاره می شود.

در سده ی گذشته در سیاست هند تحول بزرگی به وجود آمد. انگلیسی ها باعث رکود زبان و ادبیات فارسی در هند شدند. از این سرزمین به وطن خود برگشتند و طوری سرنوشت ملت خلاق و هنر پرور و ادب دوست را با قلم خود نگاشتند که کشور را تقسیم و مسایل زبانی را ایجاد کردند، ولی رواج زبان و ادب فارسی در جامعه و تسلط فرمانروایان آریا نژاد در خون و خاک ما طوری ریشه ها را محکم کرده بود که مردی برجسته و فاضل چون پندت جواهر لعل نهرو در زندان هند را کشف می کرد در حالی که در هوای ایران بود و در نامه هایی که به دختر عزیز خود اندرا گاندی می نوشت، عوامل گوناگون تاریخی و فرهنگی را که در اجتماع و فرهنگ هند نقش مهمی ایفا کرده بود یکی یکی بیان می کرد.

نهرو با اطلاع دقیق درباره ی دین زردشت و فرهنگ مشترک آریایی ها، روزگار آشوری ها و فعالیت های هخامنشی ها و ناموفق بودن ساسانی ها را مورد بررسی قرار داده است. دقت نظر و ژرف بینی او از این رویدادها باعث کسب تجربه ی وی شد و در برنامه ریزی هند گویی از آنها بهره برداری کرده است. درباره ی هخامنشی ها می نویسد:

" اربابان و حکمرانان متمدن و با فرهنگی بوده اند که نسبت به معتقدات دیگران به مدارا رفتار می کردند و اجازه می دادند که مذاهب و تمدن های مختلف رونق و رواج داشته باشد" (نهرو، بی تا: ۱۱۴)

نهرو نفوذ فرهنگ ایرانی را در هر زمینه به نحو عالی درک و در نوشته های خود بحث

کرده است. او آثار هنری و بناهای تاریخی هند و ایران را بسیار شبیه یک دیگر دیده است. به طور مثال آثار هنری روزگار موریه و گپتا و مجسمه سازی و حکاکی اجتنا و مکشوفه های بناهای تاریخی هخامنشی و ساسانی را دو شاخه ی یک فرهنگ می داند. گاندی نیز فرهنگ و فلسفه های جهانی را در نظر داشت و هر جایی که چیزهای خوب به نظرش می آمد برای پیشرفت جامعه و موفقیت نهضت استقلال هند به کار می گرفت و بر فلسفه ی "خدما صفا و دع ما کدر" کار بند بود. عدم تشدد را از امام حسین علیه السلام یاد گرفت و سه توصیه ی وی "بدنگو و بدنشو و بدنین". (سه توصیه ی گاندی در هیأت سه بوزینه که یکی دهان را بسته است، دیگری گوش را و سومی چشم را بسته است نمود پیدا می کند که در موزه ی گاندی وجود دارد).

#### نقش سفارت و خانه های فرهنگی

پس از استقلال هند تأسیس سفارتخانه های مختلف خارجی، سراسر جهان و هند را با هم دیگر مرتبط کرد. ولی سفارتخانه ایران با دیگران بسیار فرق می کند. سفرای ایران با هند انس خاص فرهنگی و فکری و دینی دارند که در میان دیگران کم تر دیده می شود و این عشق و علاقه شان آنها را از میدان سیاست به فضای علم و دانش پرواز می دهد. در اوایل قرن بیستم یعنی ۱۹۰۳ سر کنسولی از بمبئی به کلکته و سپس به دهلی منتقل گردید. اولین سر کنسولی در دهلی نو میرزا داوود خان مفتاح السلطنه بود که از طرف انگلیسی ها "سر" (آقا) خطاب می شد. و در هند به "سر داوود" شهرت داشت. در سال ۱۹۴۷ آقای علی معتمدی در دهلی سر کنسول ایران بود. و بعد از استقلال هند که همین کنسولگری به سفارت مبدل شد، او به عنوان اولین سفیر ایران در هند منصوب گردید. برجسته ترین سفیر ایران در هندوستان علی اصغر حکمت بوده است در واقع وی در زمره ی نخستین سفرای نیمه ی دوم قرن بیستم است که در جهت احیاگری فرهنگ و تمدن هند زحمت کشید و از جمله آثار بزرگ این دانشمند «سرزمین هند و نقش پارسی بر احجار هند» و سخنرانی های دلپذیر وی است. انجمن ایران در کلکته از مقاله های ایشان استقبال می کرد و در مجله اندو ایرنیکا چاپ می گردید. علی اصغر حکمت هند را کشوری بیگانه نمی شمرد بلکه این سرزمین پهناور را نقش پای نیاکان خود می دانست و از آن با احترام یاد می کرد:

" این آثار کوچک به مترله ی جای پا و نقش قدم قافله ی بزرگی است که از دیار ایران در مدت هزار سال، راحل منازل هندوستان شده و عرض و طول آن کشور کهنسال را می پیموده اند و هرجا رفته اند، یادگاری از سرزمین نیاکان خود به جای می نهاده اند" (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۰۶)

پس از علی اصغر حکمت، عبدالحسین مسعود انصاری پنجمین سفیر ایران وارد هند شد. عبدالحسین مسعود انصاری پدر همسر استاد مهدی محقق بود. انصاری در خاطرات خود هند را با احساسی صمیمی به یاد آورده است و وقتی که هند و هندیان را به خاطر می آورد شوری در دل دارد و احترام خاصی در باره ی رادها کرشنن قائل است و فروتنی راجندر پرشاد را دوست می دارد.

مرحوم انصاری برای گسترش زبان و فرهنگ فارسی در هند بسیار کوشا بود. پس از استقلال هند موضوعات زبان و تدریس زبان هندی و محلی در مدرسه ها رونق یافت. این گونه اقدام ها برای ایرانی های هند نشین سخت بود، آنها می خواستند که به جای زبان محلی، فارسی بخوانند. انصاری در این زمینه با مقامات هندی صحبت کرد و مجوز را گرفت که ایرانیان در بمبئی، کلکته و حیدرآباد برای اطفال خود به خرج انجمن ایرانیان معلم استخدام کنند. خوشبختانه کشور هند هم قبول کرد که در همان ساعت که زبان محلی تدریس می شود بچه های ایرانی در مدرسه های دولتی هند فارسی بخوانند و مرحوم دکتر خانلری نیز از این اقدام انصاری حمایت کرد و از طرف وزارت آموزش و پرورش با قدردانی فراوان مواجه گردید. آن موقع نشریه ای از سفارشات ایران در دهلی نو به نام "ایران امروز" (Iran Today) به انگلیسی منتشر می شد. خودش می نویسد که این نشریه ی بازاری پر رونق بود و چندین هزار خواننده برای آن وجود داشت. (انصاری، بی تا: ۸۹۴)

مرحوم انصاری برای حفظ روابط صمیمی دو کشور بسیار زحمت کشید. با وجود محدودیت های آن زمان و اوضاع مشوش هند برای تشکیل انجمنی کوشش کرد که سال ها رییس آن دکتر تارا چند بود. آن زمان محمود تفضلی رایزن فرهنگی بود. مرحوم انصاری با سیاستمداران هند علاقه ی خاصی داشت و اینگونه ارتباط به ویژه نفوذ فکری را ایجاد می کرد. او از یک سو از روشنفکری دانشوران هند تحت تاثیر بود و از سوی دیگر دلش بر کمبودهای

اجتماعی، نابرابری و نفاق دو ملت می سوخت او می خواست که هند و ایران را برای بشریت به عنوان مأمونی محترم ببیند. طوطیان سبز هند و ولوله های صبحگاهی شان و نوای هنگام غروب را با دل پر شوق و چشمان زیبا می دید و برای او گل های هند دیدنی و هوای هند عرفانی بود او می نویسد "من هند را دوست می دارم زیرا بین تمدن کشورم و تمدن این کشور همبستگی های فنا ناپذیری می بینم، من هند را دوست می دارم. برای آن که مردم کشور من و مردم هند از یک نژاد هستند". (همان: ۸۷۶)

سطور بالا نشان دهنده ی عشق و علاقه ی خاص و نشان همدلی دو سفیر ایرانی با هندیان است که هیچ غرور سیاسی در کار ندارند بلکه یکی از خودمان هستند که چون این آثار باستانی را می نگرد به عنوان توریست و سیاح نیستند بلکه مانند شخصیت های بومی درد دل دارند و گردش را به زیارت مبدل می گردانند. این از خود گذشتگی ایشان نیز روابط دوستانه ای را استوار می کند. همین طور سفیران بعدی نیز درباره ی هندوستان سخن های جالبی نوشته اند که برای معرفی هندوستان در ایران ارزش دارد. به طور مثال آخرین سفیر قرن مذکور علی رضا شیخ عطار نیز کتابی به نام «دین و سیاست» نوشت.

این سفیران ذی شعور و روشنفکر بهترین کاری که انجام دادند تأسیس خانه های فرهنگ بود که مستقیماً پیام دوستی را به مردم عرضه می کنند. با توجه به بزرگی این کشور سه مرکز خانه ی فرهنگ در هند یعنی دهلی، ممبئی و حیدرآباد قابل ملاحظه است که بال های دوستی فرهنگی را از شمال تا جنوب گسترده اند و کلیدی ترین نقش را در ایجاد صمیمی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هند ایفا می کنند.

پس از استقلال هند، محمود تفضلی اولین رایزن فرهنگی در دهلی بود. بعد از وی از بین رایزن ها از زحمات احمد کسروی و آقای فتح الله مجتبابی نمی توانیم چشم پوشیم. فتح الله در مدت اقامت خود در هند با فلسفه ی هند آشنایی پیدا کرد و فرهنگ هند را از نزدیک مطالعه کرده کتابی به زبان انگلیسی به نام Aspect of Hindu Muslim Relation تحریر کرد و هنوز با حال و هوای هند دلبستگی دارد. پس از انقلاب اسلامی در رایزنی ها رنگ و صورت دیگری به وجود آمد. هم رایزنی بود هم مرکز دینی. کنگره های نخوت سرنگون و پرچم جمهوری اسلامی بلند شد تجمل از بین رفت و شکوه خانقاه های عارفانه پدیدار گردید. با

وجود جنگ تحمیلی کمرشکن مرکز تحقیق تأسیس شد، کار تصحیح و چاپ متون فارسی آغاز گردید. آقای سید احمد حسینی مؤسس و مسؤول مرکز تحقیقات کتابی به نام " پاسداران زبان فارسی" در دو جلد نوشت و چهره های فارسی دانان و فارسی خوانان را معرفی کرد.

مرکزی دیگر در دهلی به نام مرکز میکروفیلم نور است. آقای خواجه پیری بنیانگذار این مرکز است و دهلی را یکی از بهترین مراکز تحقیقات متون فارسی و عربی قرار داده است. هم نسخه ها را جمع کرده و هم از نسخه های خطی میکروفیلم درست کرده است.

مجله "راه اسلام" از خانه فرهنگ دهلی انتشار می یابد. این مجله در بین مجله های اردو زبان هنر از نظر محتوا متمایز است. مقاله های گوناگون نویسندگان و شاعران هنر و افکار و فلسفه های نویسندگان ایرانی را به اردو ترجمه کرده و چاپ می کنند. در آغاز زبان فارسی به توسط همین مجله به صورت مکاتبه ای یاد داده می شد.

مجله ی "قند پارسی" نیز از خانه ی فرهنگ دهلی در زمان آقای شاهنگیان به چاپ رسید حتی سرورق هم از قلم همان رایزن بود. زحمت کشید. برای ایجاد پیوند صمیمی ادبی این مجله در سال ۱۹۹۰ شروع به کار کرد و بهترین ابزار ارتباط دو کشور و تشویق فارسی نویسی در هند است.

یکی از مهمترین کارهای این رایزنی تهیه ی لغت نامه ی فارسی و هندی است. هر سال به مدت بیست روز برنامه ی باز آموزی را برگزار می کنند و برای تدریس، اساتیدی از ایران تشریف می آورند و از هر دانشگاه خدمتگزاران فارسی شرکت می کنند و بهره می برند. این هم برای گسترش روابط دوستی بین معلمین دو کشور قدم مثبتی است. فعالیت های مراکز فرهنگی ممبئی و حیدرآباد نیز قابل ستایش است یکی از کارهای ارزشمند آنها هند شناسی، احیای متون فارسی و تألیف فهرست نسخه های خطی در کتابخانه های هند است در ممبئی دو سال پیش کتابی به زبان انگلیسی به عنوان Indo-Iran Relation به چاپ رسیده که مجموعه مقالات است. علاوه بر این هر سه خانه های فرهنگ سیمینارها برگزار می کنند، دانشجویان را به ایران می برند. استادان را نیز به آنجا دعوت می کنند و در پروژه های تحقیقی سهیم می سازند. بعضی جاها کلاس های اردو و فارسی برگزار می شود. علاوه بر این برای تحصیل عالی به دانشجویان فقه جعفری بورسیه می دهند.

انجمن های استادان فارسی دو کشور در نزدیک کردن روشنفکران و در احیای میراث فرهنگی آنان سهم عمده ای داند امکانات پژوهشی را که از هم پاشیده بود جمع و جور می کنند و فعالیت مثبت دارند.

### سهم استادان اعزامی در هند

اولین نخست وزیر هند جواهر لعل نهرو در دوران مسافرت خود به ایران در یک مصاحبه ی تلویزیونی برای تداوم روابط فرهنگی فرمود: "در مورد ادامه ی ارتباط باید بکوشیم روابط قدیمی رامحفوظ نگاه داریم و آنها را مخصوصاً در زمینه های فرهنگی توسعه و افزایش دهیم. باید دانشجویانی از هند به ایران بیایند و از ایران به هند بروند و مخصوصاً استادان میان دو کشور مبادله شوند. هر دو ملت باید زبان یکدیگر را بهتر بیاموزند" (نهرو، بی تا: ۶۰) به توسط وزارت و سفارت دوجانبه کرسی استادان اعزامی در بخش های فارسی باعث گسترش زبان و ادب فارسی گردیده .

در نیمه ی اول قرن بیستم در سال ۱۹۰۳ پور داوود اولین استاد اعزامی اینجا بود علی اصغر حکمت، رشید یاسمی، صادق هدایت و غیره به ماموریت های گوناگون به هند تشریف آوردند و همین جور عده ای از هند رفتند. پس از آن استادان اعزامی که به هند می آیند و آنهای که از اینجا می روند، در گسترش زبان و ادبیات فارسی و روابط فرهنگی و ادبی نقش ویژه ای دارند. ورود استاد رضا مصطفوی سبزواری به دهلی تأثیر خاص خود را داشت. برای استوار کردن چنین روابط دو کشور نیاز زمان را دریافت و فرهنگ نویسی فارسی و هندی آغاز گردید. نمونه ی کوچک آن زحمت ها الآن به شکل فرهنگ دو جلدی بیرون آمده باز هم این کار ادامه دارد.

استاد توفیق سبحانی پس از استاد مصطفوی در دهلی این مسئولیت را به عهده گرفت و در دوران خود در دهلی مبنی بر تزیات پژوهشگران بخش فارسی (که تحت راهنمایی استاد سید امیر حسین عابدی کار کرده بودند) و منابع دیگر، کتابی به نام "تاریخ ادبیات فارسی هند" نگاشت و پس از برگشت به ایران تا حال کارهای پژوهشی مربوط به هند مانند تصحیح متون فارسی هند را انجام می دهد.

استاد حسین فقیهی مردی متدین و معلمی خوب بود که در ترویج روش تحقیق به دانشجویان زحمت می کشید. تجربه ها و مشاهده های خود را به شکل کتاب تهیه کرد و "توشه هند" نام نهاد این کتاب مانند سفرنامه ای دارای اطلاعات فرهنگی و اجتماعی است.

همین طور سرکار خانم دکتر مریم خلیلی جهانتیغ نیز دنبال کارهای پژوهشی مربوط به هند هست و خدمات علمی شایان را انجام می دهد و چندین مقاله در ارتباط با هند و فرهنگ و تاریخ و ادب آن به چاپ رسانده است. علاوه بر این به کمک یکی از همکاران بخش فارسی دانشگاه دهلی در حال تدوین داستان های معاصر هند هستند. و شوهر شان دکتر محمد بارانی به عنوان سردبیر مجله "نامه علمی هند" مشغول به کار هستند و به ایالت های مختلف هند هم مسافرت می کنند و وضعیت بخش های فارسی در دانشگاه ها را بررسی می نمایند. استاد ابوالقاسم رادفر مردی فاضل و دوستدار ادب در حیدرآباد هم چراغ دوستی و صمیمیت را روشن کرد و هم کارهای پژوهشی مربوط به هند را ادامه داد. اثری دارد به عنوان "مناب علوی در آینه ی شعر پارسی گویان شبه قاره" علاوه بر این کارهای دیگر و مقاله های زیادی درباره ی ادب و فرهنگ هند دارد.

استاد علی محمد مؤذنی حالا مسؤول دانشنامه هست مسئولیت شبه قاره در فرهنگستان زبان به عهده ی ایشان است. این یکی از عوامل ارتباط فرهنگی و ادبی دو کشور است. استاد کهدویی نیز در زمینه ی ادبیات فارسی شبه قاره کارهای تحقیقی را انجام می دهد و بین هندیان محبوبیت دارد.

### ترجمه ی آثار هندوستانی به فارسی

کار ترجمه نیز در استوار کردن ارتباط فرهنگی دو کشور مهم است و مسایل تفهیم و تفاهم دو ملت را آسان می کند.

مرحوم علی اصغر حکمت نمایشنامه ی "شکنتا" را به فارسی ترجمه کرده و این کتاب از انتشارات دانشگاه دهلی چاپ شده است.

مرحوم محمود تفضیلی آثار جواهر لعل نهرو را به فارسی برگردانیده ایرانیان را با قهرمانان هند آشنا کرد.



تا گور نه فقط در هند مورد احترام است، بلکه یک شخصیت بین المللی، به شمار می رود، حق این است که بر افکار مردم ایران تأثیر گذاشته و نفوذ خاصی بر روشنفکران داشت، از آثار ارزنده ی وی «گیتانجلی» به فارسی ترجمه شده است.

شبلی نعمانی در ایران به عنوان اولین ناقد سر شناس هند شناخته شده است و اثر برجسته ی وی «شعرالعجم» به فارسی برگردانیده شده است.

مقالات محمود شیرانی نیز مورد توجه قرار گرفته است "نقد شعر العجم" به توسط استاد سبحانی و شاه چوهدری به فارسی ترجمه شد.

در بخش فارسی دانشگاه دهلی آقای راجندرکمار مشغول کار ترجمه آثار پریم چند به فارسی است که مجموعه پنج داستان آن به چاپ رسیده است.

در دانشگاه شانتی نکیتن آقای نیاز احمد مشغول ترجمه ی آثار رابند رانات تا گور به فارسی است و او شعرهای باول یعنی سرودهای درویشان هندو را به فارسی برگردانیده است.

مهین قهرمان، نه داستان هندوستانی را به زبان فارسی برگردانیده است که از زبان های مختلف هند است این مجموعه داستان ها منتخب داستان های کوتاه هندی است که به چاپ رسیده است. گردآورنده ی این داستان ها منیسا موکوندان است. اولین داستان این مجموعه سندرا از یک نویسنده ی تامیلی اشوکا منتران است. "شگفتی" از محمد منکد، نویسنده ی آثار گجراتی، "آرامش" از چندرا اولوک، نویسنده ی زبان هندی است. داستانی کوتاه به عنوان "خوشنویس" از منحولا پدمنا بهان وجود دارد. داستان گور از رام لعل نویسنده مشهور اردو و هندی است، نبیت دیو سین دیو سین (Nabaneet Dev Sen) نویسنده ی زبان بنگالی است. علاوه برین داستانی از ستیه جیت ری فیلم ساز هندی و "پاره های رنج" از سبهدره سین گپتا نیز است. غرض این گونه انتخاب داستان ها نشان دادن تلاش ایرانی ها در زمینه ی آشنایی و گسترش فرهنگ سراسر هند است.

### تراجم آثار فارسی به زبان های هندوستانی

استاد نیر مسعود از دانشگاه لکهنؤ بسیاری از داستان های ادبی را به اردو برگردانیده است که عموماً در مجله های پاکستانی به چاپ رسیده است. مرحوم دکتر نورالحسن انصاری

داستان های دل انگیز را به اردو ترجمه کرد که با عنوان "فارسی کی دلکش داستانتین" چاپ شد. علاوه بر این تاریخ زبان فارسی از دکتر پرویز ناتل خانلری را به انگلیسی ترجمه کرده است. حافظ و سعدی و عمر خیام در هند بازاری پر رونق دارند. تقریباً در هر زبان ترجمه های آثار آنها پیدا است ترجمه های عمر خیام در زبان های گوناگون هند محبوبیت این شاعر برجسته را نشان می دهد.

پران نات چودهری رباعیات عمر خیام را به زبان بنگاله و دکتر آقای گندرپا چند رباعیات ترجمه شده ی فیتزجیرالد را به زبان کتر ترجمه کرده است. آقای یتندر نات رباعیات عمر خیام را به زبان آسامی به عنوان "عمر تیرتها" برگردانیده است. محبوبیت عمر خیام آن قدر زیاد بوده که علاقمندان وی آثار او را تقریباً به تمام زبانهای مهم هند برگردانیده اند. سوامی چدامبر نات، سبرامینیم یوگی و دیشیکاونایکم رباعیات عمر خیام را به زبان تامیل ترجمه کرده اند. همین طور شش ترجمه به زبان تلگوو یکی به زبان اریا، پنج به زبان مرهمتس و دو ترجمه به زبان پنجابی به عنوان "خیم خماری" و "عمر خیام انواد" هرت دارد.

دو ترجمه به زبان سانسکریت نیز داریم که یکی از ادبها نراین داس و جینگرم و دومین از م.ر.راجگو پالم است و این هر دو ترجمه در اوایل نیمه ی قرن بیستم انجام داده شده بود. اگر چه مربوط به این مقاله نیست ولی بر بنای ارزش ولی بر بنای ارزش کار ادبی تذکر داده می شود.

شش ترجمه به زبان هندی قابل ذکر است. "خیام کا جام" از کملا چودهری چاپ ساهتیه سدن. دوّم "خیام کی رباعیان" از اقبال ورما چاپ اندین پریس اله آباد "مدهو جوالا" از سمترا نندن پنت. ترجمه ی "رباعیات عمر خیام" از میتلهلی شرن گپت و "مدهو شالا" از هری ونش رای بچن یکی از مشهور ترین ترجمه است.

ترجمه ی آثار فارسی به اردو زیاد است ولی چون این مقاله ی کوتاه تحمّل این بار سنگین اطلاعات را ندارد پس صرفنظر از تمام آثار مهم و تراجم رباعیات عمر خیام که در اوایل نیمه ی قرن بیستم به انجام رسیده است. در نیمه ی آخر راجه مکهن لال ۳۲۳ رباعی را به زبان اردو ترجمه کرد که به عنوان "نذر خیام" در سال ۱۹۵۸ به چاپ رسید. صبا اکبر آبادی به عنوان

”دست زرفشان“ نود و سه رباعی را ترجمه کرد. میراجی شاعر مشهور زبان اردو نیز رباعیات وی را به فارسی ترجمه کرده و مانند سرود (گیت) هندی سروده است. تراجم رباعیات عمر خیام به زبان های گوناگون هند شاهر ارتباط صمیمی دو کشور است. علاوه بر این استادان دانشگاهی نیز مشغول کارهای ترجمه ی متون فارسی به زبان بومی هستند به طور مثال دکتر چندر شیکر سیمای ایران را به هندی برگردانیده است. آقای دکتر اختر مهدی دو اثر پر ارزش را به اردو ترجمه کرده است. بنده خودم سه نمایشنامه ی گوهر مراد را به انگلیسی ترجمه کرده ام.

### هند شناسی و ایران شناسی

در این زمینه کارهایی بسیار دقیق انجام می شود و چون گستردگی این کار زیاد است، نیاز است که به صورت گروهی این کار ادامه یابد، در این مورد خدمات استاد محمد رضا جلالی نائینی بسیار پر ارزش است ”هند در یک نگاه“ یکی از اثرهای بارز وی است در این کتاب روابط هند و ایران را به طور کلی بحث کرده است و پایه های استدلال خود را بر مکشوفه های باستانی قرار داده از ازمنه قدیم می بیند. جلالی نائینی عشق و علاقه ای خاص به هند داشت با ادیان ویدایی، بودا، چین آشنا بود و در این کتاب مکتب های فکری هندوان و اهمیت کتاب های آسمانی را مورد بررسی قرار داده است.

کتابی دیگر به نام ”آداب طریقت و خدایابی“ است که نائینی مسایل تصوف و طریقت هندوان را به ایرانیان خبر داده است و خیلی خوب مطرح کرده است. جلالی تحت تأثیر افکار هند بوده. در آثار وی در زمینه ی یگانگی نور مطلق و بر همه و تصوف اسلامی و ویدانت یک فکر مشترک دیده می شود. او از تبلیغات رادها کرشنن، شنکره و رامانج نیز بهره برده و بسیار آثار مهم دانشمندان هند را تصحیح کرده است. مانند ”سکینه الاولیا“ و ”طریقه گرو نانک و پیدایی آیین سیک“ و غیره که برای هند شناسی مهم است. او آخرین شاعر فارسی هند اقبال را نیز در ایران معرفی کرد. علی اصغر حکمت، فتح الله مجتبایی، احمد کسروی، شفیع کدکنی بیدل شناس و دیگران نیز در ایران ستون های هند شناسی هستند که باید به تفصیل درباره ی ایشان ذکر شود. در سال های اخیر آقای نجفی درباره ی هند کتابی نوشت و پژوهشنامه های دانشجویان ایرانی که در دانشگاه ها تزیهای پژوهشی می نویسند به ویژه درباره ی نقاشی و

مهندسی و هنر و غیره بسیار مهم است که ذکر ایشان نیز اینجا لازم بود ولی بر بنای ظرفیت مقاله از این بحث ها صرف نظر می شود.

همین طور دانشوران برجسته در آثار خود ایران را معرفی کرده اند. دکتر تارا چند یکی از ایشان است اساتید هندوستانی بخش های فارسی، مانند پروفیسور سید امیر حسن عابدی، مرحوم دکتر نورالحسن انصاری، مرحوم استاد هادی حسن، استاد نذیر احمد و دیگران هستند که بسیار کارهای مهمی انجام داده اند و می دهند. مرحوم خانم رضیه اکبر کتابی درباره ادبیات معاصر ایران نوشت و نقد و بررسی هایی که بر کلام و آثار شاعران و نویسندگان کرده است بسیار جالب است استاد عابدی اولین استاد است که نیما یوشیج را در هند معرفی کرد. استاد هادی حسن تمدن ایران را در نوشته های خود نشان داد.

#### سیمای هند در متون ایرانیان

ادبیات فارسی هند با وجود هزاران گوناگونی نزد ایرانی ها در ادبیات فارسی در درجه ی دوّم قرار دارد و بعضی وقت ها با این حقیقت تلخ مواجه می شویم. مدّتی گذشت که اقبال مورد پسند ایرانی ها نبود ولی جلالی نائینی برای شناساندن افکار اقبال و فلسفه ی اقبال کتابی نوشت و در آن به نحو زیبا وی را معرفی کرد. قصه حواریون و عیسی را گفته، مردم ایران را به طرف زیبایی فکری اقبال توجه داد. در زمان انقلاب از آثار اقبال فالگیری شده است برای اینکه اقبال در باز کردن ارزش استقلال و اهمیت انسانی، در رشد مسلمانان نقش مهمی ایفا کرده است.

نویسندگان معاصر قرن بیستم در آثار خود فلسفه بودایی و افکار هند را جا داده اند. صادق هدایت یکی از برجسته ترین نویسندگان ایران بود که هند را دوست داشت و تحت تأثیر فلسفه ی دینی و اجتماعی هند بود. بوف کور عمده ترین مثال نوشته های وی است. علاوه بر این کتابی در فواید گیاهخواری هم نوشت.

شاعر معاصر شادروان سهراب سپهری بسیار تحت تأثیر شاعر سبک هندی بیدل و فلسفه بودا

بود:

آنمی بود، درها وا شده بود

برگی نه، شاخی نه، باغ فناپیداشده بود.

من رفته، او رفته، ما بی ما شده بود.

زیبایی تنها شده بود.

هر رودی، دریا،

هر بودی، بودا شده بود

### نتیجه

تهیه ی این مقاله برای ارایه ی گزارشی درباره ی وضعیت روابط فرهنگی و ادبی هند و ایران بود که در این مختصر فقط اشاره ی کوتاهی به این موضوع شده است و باید تلاش بیشتری از جهت کمی و کیفی صورت گیرد و توسط مراکز پژوهشی، دانشگاه ها و سازمان های ادبی کارهای تحقیقی بیشتری انجام داده شود.

در پایان باید بگویم که ارتباط فرهنگی دو کشور موضوع دامنه داری است. مانند روابط سیاسی، اجتماعی، تجاری، جغرافیایی و غیره اما اگر تنها روابط ادبی را به دقت بسنجیم اثری ضحیم به وجود خواهد آمد که در حد گنجایش یک مقاله نخواهد بود و کتابی بزرگ را در بر خواهد گرفت در خاتمه برای حسن ختام می گویم:

هند و ایران برادران همند هر دو از نسل آریا و جمند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ۱- اقبال لاهوری (۱۳۷۳) کلیات اشعار فارسی. گردآوری احمد سروش. تهران: سنایی.
- ۲- پیرنیا، حسن (۱۳۰۸) تاریخ ایران قدیم. تهران: مطبوعه مجلس.
- ۳- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۷) سرزمین هند. تهران: دانشگاه تهران.
- ۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۷) نقش پارسی بر احجار هند. چاپ دوم. تهران: تابان.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸) تاریخ مردم ایران قبل از اسلام. تهران: امیرکبیر.
- ۶- شهابی خراسانی، علی اکبر (۱۳۱۶) روابط ادبی ایران و هند. تهران.
- ۷- نهرو، جواهر لعل (۱۳۶۱) کشف هند. تهران: امیرکبیر.

